

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته روابط بین الملل

موضوع:

**تأثیر قدرت گیری طالبان در افغانستان بر مناسبات**

**سیاسی ایران و پاکستان از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸**

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر حمید پیشگاه هادیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد علی خسروی

پژوهشگر :

رضا رنجبر

سال تحصیلی:

تابستان ۹۰

تقدیر و تشکر:

برای تهیه این پایان نامه خود را وامدار اساتید گرامی و محترم استاد راهنما جناب آقای دکتر حمید پیشگاه هادیان و راهنمایی ارزشمند ایشان در تبیین یافته های تحقیق و نیز استفاده از منابع گوناگون از یک طرف و از طرف دیگر استاد محترم جناب آقای دکتر محمد علی خسروی استاد مشاور اینجانب در تدوین طرح کلی پایان نامه و نظرات و پیشنهادات راهنمایی ایشان می دانم و بر خود لازم می دانم از این دو بزرگوار تقدیر و تشکر نمایم و از خداوند متعال پیروزی و سربلندی عزیزان و هم چنین سلامتی و پیروزی خانواده محترم ایشان را آرزو بنمایم.

تقدیم به:

تمام استادانی که در طول دوره تحصیل دانش و بینش خود را در اختیار اینجانب قرار دادند و خانواده اینجانب مخصوصاً همسر محترم و پدر و مادرم که راه گشای مشکلات و پشتوانه ای برای غلبه بر مشکلات بودند و حق بزرگی بر گردن اینجانب دارند.

## تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب رضا رنجبر دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۵۰۰۱۰۰۰ در رشته روابط بین الملل که در تاریخ ۹۰/۶/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان تأثیر قدرت گیری طالبان در افغانستان بر مناسبات سیاسی ایران و پاکستان از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۶/۲۸

رضا رنجبر دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به  
حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول : کلیات تحقیق
۲.....	بیان مساله
۴.....	اهداف تحقیق
۴.....	پیشینه تحقیق
۷.....	سوالات و فرضیه های تحقیق
۷.....	متغیرهای تحقیق
۸.....	تعریف مفاهیم
۱۷.....	قلمرو تحقیق
۱۷.....	روش تحقیق و چارچوب نظری
۱۹.....	روش جمع آوری اطلاعات
۱۹.....	موانع و مشکلات تحقیق
۲۰.....	سازماندهی رساله
۲۲.....	فصل دوم؛ چارچوب نظری
۲۳.....	مبانی نظری
۲۴.....	ضرورت چارچوب نظری
۲۵.....	نگاهی به رابطه ساختار و کارگزار
۲۸.....	مفهوم ساختار
۲۸.....	مفهوم کارگزار
۳۱.....	رویکرد تلفیقی
۳۵.....	ساختارها در روابط بین الملل

۳۷	تعریف مفاهیم از رویکرد رئالیستی
۳۸	منافع ملی
۴۰	رئالیسم ساختاری
۴۱	ملاحظات امنیتی
۴۳	نظریه کارکردگرایی و همکاری بین المللی
۴۴	نظریه نوکارکردگرایی و همکاری بین المللی
۴۵	رئالیسم و همکاری بین المللی
۴۶	نورئالیسم و همکاری بین المللی
۵۱	قومیت روابط بین الملل
۵۳	قومیت، بی‌ثباتی داخلی و منطقه‌ای در مطالعات امنیتی
۵۳	قومیت، هویت ملی و حقوق مرتبط با آنها
۵۴	عوامل شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی
۵۶	ظرفیت تبیینی قومیت در تحلیل امنیت ملی کشورهای موزائیک قومی
۵۹	چگونگی سیاسی شدن قومیت
۶۵	نقش ویژه جغرافیای سیاسی در تهدیدات اجتماعی قومیت؛ بحران یکپارچگی
۶۷	قومیت پدیده‌ای کهن یا برساخته‌ای ابزاری
۷۰	کشمکش‌ها در بستر جغرافیای فرهنگی
۷۴	نقش فرهنگ در روابط بین الملل
۷۶	مفهوم فرهنگ
۷۷	فرهنگ و سیاست خارجی
۷۹	تاثیر مستقیم فرهنگ‌های ملی بر روابط بین الملل
۸۰	رابطه فرهنگ و سیاست در عرصه نظام بین الملل
۸۰	فرهنگ و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

۸۳	نقش فرهنگ در سیاست جهانی پس از جنگ سرد
۸۳	تاثیر قدرت فرهنگی بر روند تحولات جهانی پس از ۱۱ سپتامبر
۸۶	جغرافیای سیاسی
۸۷	عوامل موثر در ژئوپلتیک
۹۴	فصل سوم: آزمون روابط بین متغیرها
۹۵	آزمون روابط بین متغیرها: ریشه‌های بقدرت رسیدن طالبان
۹۷	ورود طالبان به عرصه قدرت
۹۹	جهت‌گیری‌های گوناگون داخلی طالبان افغانستان
۱۰۱	زمینه فکری طالبان
۱۰۵	مبانی تفکر دینی
۱۰۶	احیای مدل خلافت
۱۰۸	مبارزه با نوآوری‌های مدنیت غربی
۱۰۹	خرد ستیزی و ظاهر پرستی افراطی
۱۱۰	نگرش غیریت ساز و غیر ستیز
۱۱۲	آموزه‌های قوم مدارانه
۱۰۶	فصل چهارم: عوامل خارجی موثر بر شکل‌گیری طالبان طی سالهای اشغال افغانستان
۱۱۸	ساختار جغرافیای سیاسی افغانستان
۱۱۹	تاریخچه نقش‌آفرینی قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در افغانستان
۱۲۰	نقش‌آفرینی کشورهای بیگانه در افغانستان
۱۲۱	افغانستان، عرصه رقابت امریکا و شوروی
۱۲۵	استراتژی شوروی سابق نسبت به افغانستان
۱۳۰	جنبش طالبان



۱۳۴	..... تاثیر ماهیت جنبش طالبان بر روابط خارجی
۱۳۶	..... شکست جنبش طالبان
۱۳۹	..... فصل پنجم؛ بازیگری پاکستان در افغانستان
۱۴۰	..... پیشینه تاریخی
۱۴۰	..... عوامل رشد بنیاد گرایی مذهبی در پاکستان
۱۴۱	..... بحران سیاسی
۱۴۴	..... بحران اقتصادی
۱۴۵	..... بحران اجتماعی
۱۴۹	..... منافع پاکستان در افغانستان
۱۵۳	..... محورهای خارجی قدرت طالبان: امریکا و متحدین واشنگتن
۱۵۴	..... حمایت پاکستان از طالبان، تقابل سیاست خارجی ایران و پاکستان
۱۵۹	..... ریشه‌های نفوذ عربستان سعودی در افغانستان
۱۶۱	..... بازتاب نظام سیاسی طالبان در پاکستان
۱۶۳	..... تاثیر طالبان بر روابط سیاسی ایران و پاکستان
۱۶۴	..... پاکستان و افغانستان
۱۶۵	..... اهداف سیاست خارجی پاکستان در افغانستان
۱۶۷	..... اهداف اقتصادی
۱۶۸	..... اهداف سیاسی
۱۷۰	..... همسوی پاکستان با عربستان و امریکا در جلوگیری از نفوذ ایران
۱۷۱	..... امکانات سیاست خارجی پاکستان برای کارگزاری
۱۷۵	..... پاکستان اتمی

۱۷۷	فصل ششم: تاثیر طالبان بر روابط سیاسی و حسن همجواری ایران و پاکستان
۱۷۸	تاثیر طالبان بر روابط سیاسی و حسن همجواری ایران و پاکستان
۱۷۹	مقابله با سیاست ضد شیعی طالبان
۱۸۳	روابط ایران و افغانستان در دوران حکومت طالبان
۱۸۴	روابط ایران و افغانستان پس از حکومت طالبان
۱۸۶	تاثیر طالبان در واگرایی روابط میان ایران و پاکستان
۱۸۷	مسئله خط مرزی دوران
۱۸۸	افغانستان راهی برای دسترسی به کشورهای آسیای مرکزی
۱۸۹	تلاش پاکستان در جلوگیری از نفوذ ایران
۱۹۰	حمایت پاکستان از طالبان: تقابل سیاست خارجی ایران و پاکستان
۱۹۱	حمایت از نگرش ضد شیعی طالبان برای جلوگیری از نفوذ ایران
۱۹۴	رویکرد پاکستان پس از ۱۱ سپتامبر
۱۹۵	تاثیر طالبان در واگرایی مناسبات ایران و پاکستان
۱۹۸	فصل هفتم: نتیجه گیری
۱۹۹	نتیجه گیری
۲۰۶	امنیت ملی و تهدیدهای قومی - فرقه ای
۲۰۷	اهداف گسترش تشبهای قومی - فرقه ای در منطقه
۲۰۹	ضرورت تامین امنیت ملی و رفع تهدیدهای قومی
۲۱۰	کنترل عوامل خارجی
۲۱۰	عملکرد هماهنگ نهادهای مربوطه در دولتهای همجوار
۲۱۱	تلاش برای همزیستی قومیتها
۲۱۱	فراهم ساختن شرایط

راهکارهای مهارت‌های قومی - فرقه ای در کشورهای همجوار موزائیک قومی..... ۲۱۱

فهرست منابع..... ۲۱۳

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱- بیان مسئله

طالبان عده ای از طلاب حوزه علمیه بودند که در منطقه میوند مشغول به تحصیل بوده، این گروه در سال ۱۹۹۸ بعد از خروج ارتش شوروی از افغانستان دست به مقابله با دولت نجیب الله زدند و با حمایت ارتش پاکستان و کمک های مالی عربستان و امارات متحده عربی توانستند گستره وسیعی از سرزمین افغانستان را تصاحب نمایند و در آنجا حکومت اسلامی با مرام و ایده های خود را که تا حدود بسیاری وامدار به وهابیت می باشد را ایجاد نمودند و تا سال ۲۰۰۲ م که جنگ افغانستان با امریکا رخ داد این امر بر روابط ایران و پاکستان تاثیر فراوانی داشت، بطوری که روابط این دو کشور در پایین ترین سطح دیپلماتیک قرار گرفت. در این زمان کشورهای همسایه افغانستان از جمله ایران از جناح های رقیب طالبان یعنی ائتلاف شمال حمایت می کردند. در اینجا بررسی نگاه ابزاری پاکستان به افغانستان هم در راستای جاه طلبی های منطقه ای اش که روابط با ایران را نیز دستخوش دگرگونی قرار داده قابل تامل می باشد و هم استفاده ابزاری از طالبان برای بهره برداری از تعیین حدود مرزهای دیوران با افغانستان قابل توجه است. به محض ورود ارتش سرخ شوروی سابق به افغانستان (۱۹۷۸)، کشور پاکستان بعنوان مجری استراتژی جنگ با کمونیسم جایگاه ویژه ای یافت. از این به بعد مسئله افغانستان از حالت منطقه ای خارج شده و ابعاد بین المللی به خود گرفت. پس از خروج شوروی (۱۹۸۸)، پاکستان که تامین امنیت ملی، تمامیت ارضی و منافع خود را در گرو چگونگی حل و فصل بحران مرزی با افغانستان می دید، بیشترین اهتمام خود را به کار بست تا حکومت آینده افغانستان را دست نشانده خویش نماید.

از سوی دیگر دولت طالبان در افغانستان متحد جدید در قبال هندوستان در مسئله کشمیر می بود، همچنین فرار از فشار پشتونهای ساکن پاکستان و بلوچ های آن کشور برای الحاق پشتونستان افغانستان، بهره برداری از منابع معدنی و اقتصادی افغانستان و دسترسی به آسیای میانه، از جمله اهدافی هستند که پاکستان بدنبال آن می باشد. با توجه به نفوذ گسترده پاکستان بین مبارزین افغانی، ابزار نظامی کارآمدترین دستاویز پاکستان برای دستیابی به اهداف فوق بشمار می رود. البته در این راه ابزارهای دیپلماسی، اقتصادی و فرهنگی - تبلیغاتی از نظر دور نمانده و در هنگام مقتضی استفاده می شود. ایجاد گروه طالبان و تقویت آن، از مصادیق فعالیت گسترده پاکستان جهت بدست آوردن جایگاه مطمئن در افغانستان بوده است. اهداف و سیاستهای دولتها در چهارچوب منافع ملی تعریف می شوند. معمولا در هر دوره و عصری با اولویتهای خاص از منافع ملی دولتها روبرو می شویم و پس از گذشت زمان و تغییر اوضاع و احوال بین المللی، اولویتهای جدیدی

جایگزین اولویت‌های پیشین می‌شود. منافع ملی به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که هر یک از آنها می‌تواند زمینه ساز واگرایی و یا همگرایی میان کشورها را موجب گردد. با این توضیح که در حالتی که منافع کشورها بصورت منافع موازی قرار می‌گیرد، هریک از طرفین درصدد تحصیل منافع خویش از طریق همکاری با یکدیگر برمی‌آیند. در وضعیتی که منافع کشورها متعارض باشد هر یک از دولت‌ها برای تحصیل منافع‌شان به مناقشه و ستیز با یکدیگر مبادرت می‌نمایند. اهداف متعارض هریک از طرفین به مثابه چالشی در روابط با یکدیگر ظهور می‌یابد؛ به گونه‌ای که امکان هر نوع سازش و توافقی میان دولت‌های ذی‌نفع تا حد بسیاری کاهش می‌یابد. در صورتی که اهداف هر یک دولت‌ها به صورت منافع مشترک تعریف گردد، تحقق آن منوط به همکاری و برقراری اتحادها با یکدیگر می‌شود و این امر زمینه همکاری آنها با یکدیگر را فراهم می‌آورد. و در شرایطی که هریک از دولت‌ها درصدد کسب منافع نفوذی برای خود باشند و از عمق کمتری در مقایسه با منافع متعارض برخوردار باشد، در قالب منافع اختلاف‌زا تعریف می‌شود.

بر پایه این مفروضات نظری به بررسی نقش طالبان در تأثیر گذاری بر روابط تهران و اسلام‌آباد می‌پردازیم. در این راستا شناسایی مهمترین مولفه‌های تأثیر گذار در روابط میان طالبان و پاکستان و طالبان و ایران حائز اهمیت می‌باشد. با این توضیح که تنها در پس شناسایی این مولفه‌های تأثیر گذار بر روابط هر یک از دول پاکستان و ایران قادر خواهیم تا منافع هر یک را شناسایی نموده و آنرا در قالب هر یک از تعاریف چهارگانه از منافع ملی که مبنایی برای رفتار دولت‌ها در قبال یکدیگر بوده قرار داده و آنگاه امکان واگرایی و یا همگرایی در روابط میان پاکستان و ایران را بر اساس این خواسته‌های متمایز و یا مشترک در منافع ملی‌شان، توضیح دهیم. در این راستا شناسایی نقش پاکستان در ایجاد گروه طالبان و به به قدرت رساندن طالبان و سپس شناسایی موضع ایران در روی کار آمدن طالبان در افغانستان، داده‌های لازم را برای تحلیل میزان تأثیر گذاری طالبان بر روابط سیاسی تهران و اسلام‌آباد فراهم می‌آورد.

## ۲- اهداف تحقیق

هدف اصلی از تدوین این رساله پاسخ به مسائل پیرامون پیدایش تنش‌های ایجاد شده بین دو کشور ایران و پاکستان می‌باشد در واقع در رساله حاضر به دنبال بررسی مسائل مطروحه و بوجود آمده در روابط ایران و پاکستان با توجه به مسئله پیدایش گروه طالبان می‌باشیم. همچنین به منافع قدرتهای بزرگ در پیدایش طالبان پرداخته و علل جنگ امریکا و ناتو بر علیه قدرت طالبان در افغانستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بطورکلی، اهداف نگارنده در انجام این رساله در دو قالب کلی و تحت عنوان هدف کلی و اهداف جزئی صورت بندی شده است که این اهداف جزئی در واقع پوشش دهنده هدف کلی می باشند و عبارتند از:

هدف کلی: شناسایی نوع و میزان تاثیر گذاری طالبان بر روابط سیاسی تهران و اسلام آباد  
اهداف جزئی عبارتند از:

۱- شناسایی عوامل موثر داخلی در شکل گیری گروه طالبان پس از خروج شوروی

۲- شناسایی نقش پاکستان در ایجاد گروه طالبان و به به قدرت رساندن طالبان در کابل

۳- شناسایی موضع ایران در روی کار آمدن طالبان در افغانستان

۴- شناخت منافع ایالات متحده و غرب در روی کار آمدن طالبان در افغانستان

### ۳- پیشینه تحقیق

در رابطه با مفاهیم اصلی این پژوهش سیاست خارجی افغانستان و ایران، امنیت ملی - ایران، حمله شوروی و ایالات متحده به افغانستان، نقش آفرینی کشورهای عربستان و پاکستان در افغانستان، سیاست و حکومت افغانستان و گروه طالبان و سیاست خارجی ایران در دوران طالبان به صورت جداگانه آثار بسیاری نوشته شده و تحقیقات بسیاری صورت گرفته که در ذیل به بررسی مواردی چند از این تحقیقات و آثار می پردازیم، و در ادامه وجه تمایز موضوع پژوهش حاضر را برجسته ساخته و در مقایسه با دیگر تحقیقات صورت گرفته، اهمیت این پژوهش را مورد توجه قرار می دهیم.

از جمله ویژگی های بارز در تحقیقات و آثار نوشته شده، موضوع ردیابی ریشه های جنگ در ویژگی های فرهنگی افغانستان می باشد، که در جستجوی پاسخ بدان به سراغ ویژگی های قومی-قبیله ای افغانستان رفته و با توجه به آن، عوامل موثر بر جنگ را مورد بررسی قرار می دهند. از جمله موارد؛ اشاره به خصیصه نظامی-گری بعنوان یکی از ویژگی های فرهنگی قبایل افغانستان است. در این آثار بر ساختار فرقه ای و قبیله ای جامعه افغانستان تاکید می شود. در نظام قبیله ای حاکمیت ملی، وحدت ملی و منافع ملی معانی خاصی دارند. قبیله دارای فرهنگ، آداب، رسوم، سنن و قواعد خاص است و اقتصاد، حقوق، ارتباطات آن تعاریف ویژه دارد، در نظام قبیله ای انتقام یک "ارزش" است.

از جمله آثار در این مورد کتاب "افغانستان و پنج سال سلطه طالبان" از مزده وحید است، که تصویری درونی از پنج سال حکومت طالبان ارائه داده است. در این کتاب به بررسی مواردی همچون ظهور طالبان و

محیط تربیتی آنان، نگاه طالبان به مقوله های سیاست و شریعت، قضا و امنیت، تعلیم و تربیت، پرداخته شده، همراه با این ویژگی ها اختلافات داخلی و ضعف رهبری در طالبان به مثابه فرجام کار طالبان تعریف شده است. همانگونه که مشاهده نمودیم این کتاب تنها شاخصه های داخلی افغانستان را ملاک ارزیابی و بررسی های خود قرار داده و با تحلیلی درون متنی برهه زمانی پژوهش را نیز محدود به دوره حیات سیاسی طالبان نموده است. با این ویژگی ها اثر مورد بحث تنها در سطح تحلیل خرد صورت گرفته که در آن فقط به شناسایی عوامل داخلی تاثیر گذار مبادرت نموده و تاثیر گذاری خود طالبان را نیز در چارچوب خود گروه طالبان ارزیابی نموده است. (وحید، ۱۳۸۲)

در اثر دیگری تحت عنوان "نقش افغانستان در سیاست خارجی ایران" و به تبع آن نفوذ ایران در افغانستان تاکید می شود. در مواردی دیگر شاهد آثاری هستیم که در آن نقش آفرینی ایران در افغانستان را مبتنی بر زمینه های مساعدی همچون میراث مذهبی، قومی، فرهنگی و زبانی مشترک دانسته و سقوط رژیم طالبان را به عنوان گشودن دریچه ای مهم برای تهران جهت اعمال فشار و نفوذ بر همسایه اش ارزیابی می کنند. بر اساس این وجوه اشتراک به تعریف منافع ایران در افغانستان می پردازند، از جمله اینکه تهران منافع اش در افغانستان قوی و باثبات است چرا که یک افغانستان بی ثبات می تواند تهدیدی برای ثبات ایران بویژه در استانهای مرزی باشد. چنین بی ثباتی می تواند به مرزهای ایران سرایت کند و بر امنیت ایران تاثیر بگذارد. این بی ثباتی همچنین می تواند به موج فزاینده مهاجران به ایران منتهی شود و تهران این را به عنوان یک تهدید اساسی برای ثبات اجتماعی و اشتغال اقتصادی درک کرده است. تهران به یک حکومت مقتدر در کابل امیدوار است به علت اینکه در مقابل نفوذ خارجی می تواند رسوخ ناپذیر و مستقل تر عمل نماید. چنین توسعه ای توجه اصلی و مهمی برای تهران می باشد. (Cristiani, ۲۰۰۷)

نوذر شفیعی در مقاله "ارزیابی راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان" موضوع را از نگاه سیاست خارجی ایران را در ابعاد منطقه ای و بین المللی مورد بررسی قرار می دهد. بر این اساس از منظری راهبردی سیاست خارجی ایران در افغانستان را در طول دهه هفتاد ارزیابی کرده و عوامل موثر بر تصمیم گیری های ایران در افغانستان از جمله مسایل مورد تصمیم، دست اندرکاران تصمیم گیری، فرایند تصمیم گیری، اجرای تصمیم و نتیجه تصمیم را بررسی می کند. نویسنده به این پرسش پاسخ می دهد که سیاست های ایران در افغانستان تاکنون چه پیامدهای مطلوب و یا نامطلوبی در پی داشته و این پیامدها چه نسبتی با شیوه های تصمیم گیری در این عرصه داشته اند. در ادامه نیز نگرش های کلی در دستگاه تصمیم گیری سیاست خارجی ایران بررسی شده است. (شفیعی، ۱۳۸۲)



کتاب، "افغانستان پس از طالبان" به بررسی تحولات مختلف و مسائل جاری موجود در کشور افغانستان با محوریت دولت روی کار آمده می‌پردازد. بررسی وضعیت افغانستان با توجه به منافع ملی ایران و میزان نفوذ آمریکا و ناتو در این کشور از مباحث عمده این کتاب می‌باشند. در این کتاب حضور نظامی ایالات متحده و ناتو در افغانستان را در تقابل با مسئله امنیت ملی ایران تصویر سازی کرده است. بحران افغانستان به دلیل تاثیراتی که بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی برجای گذاشته از مهم‌ترین وقایع نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌آید. پس از حوادث یازده سپتامبر و حملات نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدانش به افغانستان و متعاقب آن سقوط طالبان، بحران افغانستان وارد مرحله تازه‌ای شده است. (خاتمی، ۱۳۸۲) از اینرو آثار بسیاری به بررسی علل شکل‌گیری و تداوم بحران افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی پرداخته و سیاست و حکومت افغانستان را متأثر از مولفه‌هایی همچون دخالت روسیه و ایالات متحده برشمرده و نتایج تاثیرات آنرا بر امنیت ملی ایران آنرا برشمرده است. (سلیمان، ۱۳۸۱)

همانگونه که از مرور کلی آثار پیشین نگارش یافته مشاهده نمودیم، غالب این آثار موضوع را تنها از زاویه خاصی مورد بررسی قرار داده و تعامل میان متغیرهای نقش آفرین را که دامنه تاثیرگذاری آنها در اغلب موارد فراتر از موضوع افغانستان می‌باشد را از قلم انداخته‌اند، و این موضوعی است که در پژوهش حاضر سعی داریم تا بدان بپردازیم. در موارد دیگر نیز این امر صادق است از جمله در مورد پاکستان، با این توضیح که آثار مربوط به این کشور و تحقیقات انجام شده در مورد پاکستان نیز بیش از هر چیز نگاه خود را معطوف به نقش پاکستان در ایجاد گروه طالبان نموده و یا این موضوع را در ارتباط با سایر کشورهای منطقه همچون عربستان سعودی و امارات متحده عربی و قدرتهای فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده بررسی نموده است. در این آثار یا جایگاه محدودی برای بررسی ایران در این بستر باقی می‌ماند و یا اینکه جایگاهی که بدان اختصاص می‌یابد محدود به حضور قدرتهای دیگر در این منطقه و در همسایگی ایران می‌باشد. از اینرو در تحقیق حاضر درصددیم تا این موضوع یعنی تاثیر گذاری گروه طالبان بر مناسبات و روابط ایران و پاکستان را مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۴- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

سوال اصلی: ظهور طالبان چه تاثیراتی بر روابط سیاسی تهران و اسلام اباد گذاشت؟

فرضیه تحقیق:

به قدرت رسیدن طالبان طی سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۸ از یکسو موجب تشدید شکاف میان شیعه و سنی در مناطق مجاور مرزهای شرقی ایران شد و از سوی دیگر حمایت پاکستان از طالبان با توجه به سیاستهای مقابله‌جویانه طالبان، ایالات متحده و متحدین واشنگتن با جمهوری اسلامی ایران موجب تیره شدن مناسبات سیاسی و حسن همجواری ایران و پاکستان شد.

## ۵ - متغیرهای تحقیق

۵-۱- متغیر مستقل: طالبان و پاکستان

۵-۲- متغیر وابسته: مناسبات سنتی و حسن همجواری ایران و پاکستان

## ۶- تعریف مفاهیم

طالبان: عناصر جنبش طالبان، متشکل است از علما و طلاب مدارس دینی افغانی که عمدتاً در پاکستان آموزش دیده‌اند. هزاران محصل علوم دینی که در دو دهه اخیر در داخل شهرهای پاکستان و اردوگاههای متعلق به مهاجرین افغان در دو ایالت بلوچستان و سرحد سکنی گزیده‌اند، مشغول فراگیری علوم قرآنی و حدیثی بوده‌اند. پس از کودتای کمونیستی سال ۱۳۵۷ در افغانستان و اشغال این کشور به وسیله ارتش اتحاد شوروی سابق در زمستان سال ۱۳۵۸، صدها هزار شهروند افغانی از شهرها و روستاهای شان به جانب پاکستان مهاجرت کردند. این مهاجرین، اکثراً در داخل اردوگاههایی که از طرف دولت پاکستان و سازمان ملل با حمایت‌های وسیع مالی کشورهای غربی و عربی تاسیس شده بود، اسکان داده شدند. نسل جدید این مهاجرین که در اردوگاهها و یا شهرهای پاکستان نشو و نما یافته بود، به راحتی جذب مدارس دینی موجود در این کشور گردیده و در آنجا مشغول فراگیری علوم دینی گردیدند.

طالبان، از لحاظ بستر اجتماعی از نیروهای مردم پشتون افغانستان تشکیل شده، که از لحاظ فکری، از خارج از مرزهای این کشور تغذیه می‌شوند. جنبش طالبان در یک زمینه بحران داخلی و در شرایط رقابتهای شدید قدرتهای بزرگ و منطقه‌ای و همسایه به وجود آمد و پاکستان آن را پشتیبانی کرد تفکر مذهبی - سیاسی کنونی طالبان، ریشه در اندیشه های اسلامی شناخته شده در داخل جامعه افغانستان ندارد. تفکر رایج در

جامعه افغانستان، تفکر اخوانی، لیبرالی و اصلاحی از نوع خردگرایانه آن است و بنیادگرایی افراطی نوع طالبانی، صرفاً در مناطق روستایی در حد انسجام نیافته، حضور داشته که به عنوان یک اندیشه جدی هیچ گاه قابل توجه نبوده است. اما تحولات دو دهه اخیر با توجه به زمینه های تاریخی، سبب شکل گیری و رشد نوع تفکر طالبانی در این کشور گردید.

تفکر طالبانی اگر چه در ظاهر به عنوان تفکر خالص اسلامی در افغانستان تبلیغ می گردد و حتی بعضی از کشورهای همجوار را نیز تحت تاثیر ماهیت اسلامی خود قرار داده است؛ اما با یک ارزیابی عمیق از سنتهای قبیله ای افغانستان و نقش عرف در فرهنگ روستایی و قبایلی این کشور، درمی یابیم که تفکر جدید به همان اندازه که ماهیت مذهبی دارد، ماهیت قبایلی نیز دارد. درستی این ادعا با تحلیل مقایسه ای بین تفکر طالبان در داخل جامعه افغانستان و الگوی مادر در دو کشور پاکستان و عربستان، بیش از پیش روشن می گردد. در عین حال، اندیشه جنبش طالبان به دور از ویژگیهای محلی و تفسیرهای متأثر از فرهنگ داخلی، اندیشه ای است که در شبه قاره هند و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به صورت اندیشه رسمی مطرح بوده و در میان توده های مردم (نه نخبگان) ریشه عمیقی پیدا نموده است.

پاکستان: پاکستان، با جمعیتی حدود صد و چهل میلیون نفر و با مساحت ۸۰۰ هزار کیلومتر مربع در جنوب شرق ایران واقع شده است. پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی از هند مستقل شد و به عنوان یک کشور مستقل، رسماً بر روی نقشه سیاسی جهان ظاهر گردید. حزب مسلم لیگ به عنوان قوی ترین تشکل سیاسی مسلمانان شبه قاره در نیمه اول قرن ۲۰ با سازماندهی نهضت استقلال خواهانه مسلمانان هند نقش مهمی را در استقلال پاکستان ایفاء نمودند. مسلم لیگ در بیست و هفتمین نشست خود که از ۲۲ تا ۲۴ مارس ۱۹۴۰ در لاهور برگزار شد مسأله تشکیل دولت مستقل پاکستان؛ شامل ایالات و مناطق (اکثریت) مسلمان نشین را رسماً به تصویب رسانید. (۱) امری که نهایتاً در سوم ژوئن سال ۱۹۴۷ در ترسیم نقشه عملی تقسیم هند به دو کشور پاکستان و هند از سوی مسلم لیگ نمایان شد و به رای مردم ایالات مسلمان نشین شبه قاره گذاشته شد. همزمان با این امر نخست وزیر وقت انگلستان در پارلمان کشورش برنامه عقب نشینی کامل نیروهای دولت خود را از شبه قاره اعلام نموده و طرح تقسیم شبه قاره را بر مبنای نقشه تعیین شده از سوی مسلم لیگ در پارلمان انگلیس به تصویب رساند.

سرانجام مسلمانان شبه قاره در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ به ایجاد یک دولت مستقل اسلامی را در سطح جهان اعلام نمودند. در فردای روز استقلال، محمد علی جناح، قائد و رهبر نهضت استقلال، به عنوان حاکم اعلامی پاکستان (شرقی و غربی) سوگند یاد نمود. او همچنین مرزهای کشورش را به روی مسلمانان تازه واردی که

از سایر نقاط هند قصد مهاجرت به این کشور نوبنیاد را داشتند، باز گذاشت که در نتیجه این سیاست تقریباً هفت میلیون نفر به این کشور جدید التاسیس مهاجرت نمودند. بطور کلی با لحاظ کردن تمامی مولفه های مذکور می توان وجود تمایلات مذهبی انقلابی و بحران های داخل پاکستان و در منطقه، و همچنین حضور فراگیر و غیرستیز مدرنیته، که خود به مثابه تهدیدی هویت قومی و مذهبی شان را به چالش کشیده را به عنوان عوامل و ریشه های اصلی رشد بنیادگرایی در پاکستان برشمرده که باعث بوجود آمدن واکنش های جمعی و سازمان یافته مذهبی به منظور مقابله با این بحران گردیده است.

بنیادگرایی و فرقه گرایی مذهبی در پاکستان:

طی دو دهه اخیر بنیادگرایی و فرقه گرایی مذهبی در پاکستان رشد چشمگیری داشته، «چنانکه امروزه پاکستان به مرکز بنیادگرایی تبدیل شده است. پاکستان در دهه ۱۹۸۰ میلادی، در حمایت از نهضت مقاومت افغانستان در مقابل تهاجم شوروی، به سازماندهی و تجهیز نیروهای اسلامی و ضدکمونیسم مبادرت نمود، این امر در آن زمان با تایید و حمایت غرب روبرو شد. اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن تهدید کمونیسم، رشد اسلام گرایی افراطی، و همچنین تمرکز افراطیون اسلامی در پاکستان، بعنوان تهدیدی جدی برای غرب قلمداد گردید. از همین رو حمایت ها از پاکستان برای مبارزه با این گروه های افراطی که به گونه ای رادیکالی در قالب گروه های تروریستی به عملیات های خشونت آمیز علیه نظام های سیاسی و قدرتهای حاکم در سرزمین های مختلف در جهان مبادرت نموده اند جهت داده شده است. یکی از جلوه های افراط گرایی در پاکستان، شکل گیری گروهی است که اصطلاحاً طالبان پاکستان یا تحریک طالبان پاکستان نامیده می شود. غالب طالبان پاکستان همانند طالبان افغانستان، پشتون هایی هستند که در مناطق شمال غربی پاکستان، در مرز با افغانستان، زندگی می کنند.

سپاه صحابه جزو پیروان مکتب دیوبندی به شمار می رود. این گروه از افراطی ترین گروه های مذهبی در این کشور است و همه یا عمده فعالیت های آن، بر محور ضدیت با شیعه می چرخد. سپاه صحابه آغازگر درگیری های فرقه ای در پاکستان شناخته می شود. از نظر این گروه مهم ترین وظیفه یک عضو سپاه صحابه مبارزه با شیعه است. به همین دلیل تا به حال صدها تن از شیعیان را در شهرهای مختلف به قتل رسانده است. در اوایل، حملات تروریستی این حزب بیشتر متوجه اعضای نهضت جعفری بود، اما در سال های اخیر، سیاست مداران، حقوق دانان، بازرگانان، کارمندان و مدیران دولتی شیعه مذهب را نیز آماج حملات تروریستی خود قرار داده است.